

# فضایی‌ها در راه هستند؟

اظهارات ۳ نظامی آمریکایی در کنگره این کشور را باید تحولی بزرگ در بحث حیات هوشمند فرازمینی بدانیم،

حالا بیشتر از هر زمانی این سوال ذهن ما را مشغول کرده که آیا واقعاً در این کیهان

که ۲ هزار میلیارد کهکشان و هر کهکشان میلیارد ها سیاره دارد، تنهاییم؟



ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

سه شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۲  
۱۴ محرم ۱۴۴۵ • اول آگوست ۲۰۲۲  
شماره ۲۱۲۴۶

۲۴۹۴



## ۲ پروژه برای مخفی نگه داشتن آدم فضایی‌ها!

«منطقه گروم لیک» و «پروژه کتاب آبی»، ۲ نامی هستند که بیش از بقیه ما را به تلاش‌ها برای افشا یا مخفی نگه داشتن اسرار موجودات بیگانه می‌رساند

کاربر به جاهای بی‌ربط هدایت می‌شد.

**پروژه‌ای کدرها شد**

«پروژه کتاب آبی» یکی دیگر از مجموعه پژوهش‌های سیستماتیک روی اشیای ناشناس پرنده بود که توسط نیروی هوایی آمریکا از سال ۱۹۵۲ آغاز شد. در دسامبر ۱۹۶۹ هم دستور پایان کار پروژه کتاب آبی داده و تمامی فعالیت‌های این پروژه تا ژانویه ۱۹۷۰ متوقف شد. پروژه کتاب آبی دو هدف و مأموریت داشت: یافتن پاسخ برای این پرسش که آیا اشیای ناشناس پرنده (یوفوها) تهدیدی برای امنیت ملی و تحلیل کردن علمی تمامی داده‌های مربوط به یوفوها هستند. پروژه کتاب آبی تا پایان فعالیت اش ۱۲۶۱۸ گزارش رویت یوفو را جمع‌آوری کرده به این نتیجه رسید که بیشتر آن‌ها شناسایی نادرست پدیده‌های طبیعی (ابرها، ستاره‌ها و...) یا هواپیماهای پیشرفته و سری بودند. نیروی هوایی ایالات متحده پس از تعطیلی پروژه، خلاصه‌ای از تحقیقات خود را با این محتوا ارائه داد: «هیچ کدام از گزارش‌های مربوط به رویت اشیای ناشناس پرنده که تا آن زمان گزارش، بررسی و ارزیابی شدند، تهدیدی برای امنیت ملی نبودند.»

هم خیلی سروصدا می‌کنند. یکی از بحث‌برانگیزترین موارد به‌ار دیبهبشت سال ۹۳ در ارومیه برمی‌گردد. ساعت حدود ۱۰ شب است که اهالی ارومیه با مراکز امدادی تماس می‌گیرند و خبر می‌دهند یک شیء نورانی در اطراف شهر سقوط کرده است که شباهت زیادی به بشقاب پرنده دارد و آن‌ها بعد از دیدنش ترسیده‌اند. اما بعد از بررسی حوالی روستای انگنه چیزی دستگیر مردم و پلیس نشد. یک سال و نیم بعد در آبان ۹۴ مردم در اردبیل، عکس‌هایی با محتوای دیدن بشقاب‌پرنده در آسمان منتشر کردند اما استناداری اردبیل آن‌ها را تصویرسازی اعلام کرد. ماجرای بعدی مربوط به ۷ سال پیش در شهرستان پاوه است. انتشار عکسی از یک شیء نورانی در یکی از شب‌های پرستاره پاوه، خیلی زود باعث ساخت این حاشیه‌شد که بشقاب پرنده‌ای به پاوه رسیده است و احتمالاً قصد فرود دارد. کار به جایی رسید که بازار شایعه داغ‌شد و بعضی از مردم خواستند خانه‌هایشان را خالی کنند اما بعدها مدیر انجمن نجوم اهواز گفت، این جسم نورانی که مردم در آسمان مشاهده کردند، بشقاب‌پرنده یا موجود غیر طبیعی نبوده بلکه موشکی در فضا سوخت خود را تخلیه کرده است.



منابع این قسمت: همشهری، باشگاه خبرنگاران جوان

منطقه ۱۵۱ Groom Lake یک منطقه نظامی فوق‌سری در ۱۳۰ کیلومتری شمال غربی لاس وگاس در آمریکاست که دولت این کشور آن را بخشی از پایگاه نیروی هوایی ادوار دز معرفی می‌کند. اما ماهیت، مأموریت‌ها و اهداف این پایگاه فوق‌سری، تا امروز نامعلوم است و هویت و تعداد کارکنان آن هم مشخص نیست. پنهان‌کاری و محرمانه بودن فوق‌العاده‌ای که درباره این پایگاه اعمال می‌شود باعث شده تا شایعات و تئوری‌های زیادی درباره آن برسر زبان‌ها باشد. در سال ۲۰۱۳ میلادی آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) گزارشی رسمی درباره تاریخچه «لاکهدیو-۲» هواپیمای شناسایی آمریکایی در دوران جنگ سرد منتشر کرد که در آن وجود منطقه ۱۵۱ به‌طور رسمی تأیید شده بود. این گزارش ادعا می‌کرد که در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ جاسوسی لاکهدیو-۲ و هواپیمایی دیگر مربوط می‌شد.

می‌گوید، در این منطقه بقایای یک سفینه موجودات فضایی که ادعا شده در ۱۹۴۷ میلادی در نیومکزیکو سقوط کرد، نگهداری می‌شود. در دهه ۱۹۹۰ دولت آمریکا اعلام کرد آن چه سقوط کرد یک بالون شناسایی برای آزمایش هسته‌ای بوده است. همچنین ادعا می‌شود این پایگاه نظامی محل تماس دولت آمریکا با موجودات فضایی و مرکز آزمایش فناوری‌های با منشأ فرازمینی است. تازمانی که دولت آمریکا وجود منطقه ۱۵۱ انکار می‌کرد، با جست‌وجوی نام این پایگاه در گوگل میس،

نخستین فرضیه‌ها درباره این پایگاه از سال ۱۹۸۹ به بعد آغاز شد که مردی به نام «باب لازار» در مصاحبه با یک شبکه تلویزیونی گفت که فیزیک‌دان بوده و در این منطقه کار کرده است. او گفته بود در طرح‌پیاده کردن یک بشقاب‌پرنده حضور داشته و اسناد دولتی درباره حضور موجودات فرازمینی روی زمین را خوانده است. البته او هیچ‌سندی برای این ادعاها ارائه نکرد و کسی هم مدرک دانشگاهی او در رشته فیزیک را ندید. ادعای مشهوری

**اما واقعیت این منطقه چیست؟**

## روایتی از رویت یوفو در آسمان ایران

۲۹ شهریور سال ۵۵ بود. همه جای شهر رنگ‌باز پی‌به‌خود گرفته بود. نیمه‌شب دوشیء ناشناس که شبیه هیچ‌کدام از دست‌ساخته‌های بشر نبودند در آسمان دیده شدند. مردم تلفن را برداشتند و به هر جایی که فکر می‌کردند تماس می‌گرفتند حتی به برج مراقبت فرودگاه. یکی از آن‌ها می‌گفت: «چیزی در بالای آسمان خانه‌مان ایستاده که مثل موتور ماشین، چهارپره و هشت‌پره می‌شود». شیء به رنگ‌های آبی، نارنجی و سبز در می‌آمد اما رنگ آبی همیشه ثابت بود و حدس بر این بود که رنگ سوختش باشد. بعد از این تماس‌ها و بررسی، وضعیت اضطراری پایگاه هوایی همدان به صدا درآمد. اما این اشیاء همان بشقاب‌پرنده یا یوفو بودند؟

**تعقیب یک معما**



خلبان «عزیزخانی» یکی از خلبان‌های شیفت آماده‌باش پایگاه هوایی همدان بود. وقتی زنگ اضطراری به صدا درآمد خودش را با سرعت به هواپیما (جت خفاش یک) رساند و فکر می‌کرد مثل همیشه باید به سمت مرز خفاش یک به سمت آن شیء ناشناس شیرجه می‌زد اما آن با سرعت زیادی حرکت می‌کند. این تعقیب آن قدر ادامه پیدا می‌کند که خلبان اعلام می‌کند فاصله‌اش با آن شیء زیاد شده و اگر همین‌طور ادامه دهد از مرز شرقی ایران خارج می‌شود. این جابرج مراقبت دستور بازگشت به تهران را می‌دهد اما ماجرا تمام نشده.

## ماجرای جنجال برانگیز ترین سقوط بشقاب‌پرنده تاریخ

### و اجساد آدم فضایی‌ها

۶۹ سال پیش، اوایل تابستان سال ۱۹۴۷ میلادی بود که یک شیء نورانی با سرعتی بسیار زیاد در شهر رازول آمریکا سقوط کرد. این سقوط، پرسروصداترین حادثه تاریخ یوفولوژی یا همان اشیای ناشناس پرنده است. اما به راستی در رازول چه اتفاقی افتاد؟ آیا واقعاً یک بشقاب‌پرنده در آن جا سقوط کرد و اجساد موجودات فضایی به دست دولت آمریکا افتاد؟

**اجساد موجودات فضایی چه شد؟**

بر اساس گزارش‌های متعدد، این سفینه فضایی ۴ سر نشین داشته که ۳‌نای آن‌ها در زمان سقوط کشته شده اند و یکی از آن‌ها حدود ۳ سال زنده ماند و دولت آمریکا تحقیقات بسیاری روی آن انجام داده است. در سال ۱۹۴۷ آقای «گلن دنیس» یک مأمور کفن و دفن بود که قرار دادی با پایگاه هوایی رازول منعقد کرده بود. قبل از آن که وی اطلاعاتی درباره سفینه به جا مانده از حادثه داشته باشد، تماس‌های تلفنی متعددی از جانب افسر مسئول کفن و دفن پایگاه با وی صورت گرفت که از وی درباره امکان تهیه کیسه‌های بدون منفذ کوچک (کوچک‌تر از کیسه‌های حمل انسان) برای نگهداری چندین روزه اجساد که در معرض برخی مواد قرار گرفته‌اند، سوال شده بود. زمانی که شب فرا رسید، وی به دنبال برخی وقایع غیر مرتبط



با هم به‌طور اتفاقی به بیمارستان پایگاه هوایی رفت. بیرون از در خروجی پشתי بیمارستان وی دو دستگاه آمبولانس نظامی را مشاهده کرد که درهای عقب آن‌ها باز بود و در داخل آن‌ها قطعات بزرگی از یک وسیله متلاشی شده دیده می‌شد. در داخل بیمارستان وی پرستاری را مشاهده کرد. در همان لحظه پلیس نظامی متوجه حضور وی شد و او را با خشونت و به‌زور از ساختمان خارج کردند. روز بعد آقای دنیس با آن پرستار ملاقات کرد. خانم پرستار توضیح داد که از وی خواسته شد تا به عنوان دستیار پزشک در کالبد شکافی چند موجود عجیب و غریب با بدن‌هایی که هیچ شباهتی به بدن انسان نداشتند، کمک کند. وی همچنین طرحی را روی دستمال کاغذی رسم کرد که نشان‌دهنده شکل و شمایل این موجودات فرازمینی بود. به‌هر ترتیب این ملاقات آخرین آن‌ها بود چرا که آن پرستار چند روز بعد به انگلستان منتقل شد و دیگر هیچ خبری از او نشد.

**پررمزور از ترین حادثه عصر حاضر**

«دیوتامس»، فیزیک‌دان و ریاضی‌دان است. او می‌گوید: «در علم می‌گوییم که برای ادعاهای بزرگ نیاز به مدارک بزرگ است. اگر بخواهید به کسی مسئله‌ای را به‌بزرگی بیگانه‌هایی که در اعماق فضا سفر می‌کنند و به زمین آمده‌اند ثابت کنید، باید چیزی بیشتر از عکس‌های مات ارائه کنید. شما باید مدرکی فیزیکی ارائه کنید؛ چیزی مثل یک قطره خون بیگانه، اگر این کار را بکنید، از داروین هم مهم‌تر خواهید شد! این داستان تشنگی و کنجکاوی یک دانشمند را برطرف نمی‌کند. دلیل من هم برای باور نکردن رازول این است که هنوز بیگانه‌ها این جانیامده‌اند. شاید یک روز بیایند ولی تا امروز نیامده‌اند!» حادثه رازول همچنان یکی از مهم‌ترین و پررمزور از ترین حوادث عصر حاضر است که همچنان ابهامات بسیاری درباره آن وجود داشته و ذهن بسیاری از مردم جهان را به خود مشغول کرده است.

**داستان حادثه رازول از کجا شروع شد؟**



در جولای ۱۹۴۷، رازول شهری بسیار کوچک، بیابانی و بی‌سرو صدا بود که از تعدادی مزرعه و دامداری تشکیل می‌شد و ناگهان اتفاق عجیبی در آن جا افتاد. از آسمان چیزی بزرگ و تیره‌ای رنگ با سرعت و سرو صدای زیاد سقوط و داستان حادثه رازول را آغاز کرد. بر طبق گزارش‌ها اجساد چند سر نشین یوفو در اطراف این بشقاب پرنده کشف شد. «مک برازل» مزرعه‌دار محلی، گزارش اصابت این شیء ناشناس را به نیروهای هوایی رازول داد. دولت به سرعت وارد عمل شد و روز بعد، خبرها به کل، حالت دیگری به خود گرفتند. در روزنامه‌ها اعلام شد، چیزی که پیدا شده، یک بالون هواشناسی بوده، نه یک بشقاب‌پرنده. در نتیجه مردم رازول برگشتند سر کارهای مزرعه و دامداری‌شان، البته این پایان داستان نبود و بعضی‌ها هم قرار نبود آن را فراموش کنند.

**فلزی که از بشقاب پرنده به‌جا ماند**



یک بشقاب پرنده ساقط شده و چند جسد بیگانه را در نیومکزیکو به دست آورده است. «او در یکی از مصاحبه‌های ضبط شده‌اش در سال ۱۹۸۰ می‌افزاید: «ما یک تکه فلز داشتیم. حداقل ظاهری فلزی داشت. خاصیت ارتجاعی نداشت؛ ولی به‌نازک‌ی فولس سیگار بود. من خواستم آن را خم کنم ولی نمی‌شد. به‌من گفتند که نه می‌توان آن را خم کرد و نه روی سطح آن علامتی گذاشت. من هم آن را روی زمین گذاشتم. یک پتک برداشتم و روی آن کوبیدم. پتک از روی آن مثل یک فتر برگشت. آن یک بالون هواشناسی نبود. هواپیما یا وسیله نقلیه هوایی شناخته شده‌ای هم نبود. چه چیزی می‌توانست باشد؟ نمی‌دانم!»